



مبارزی که خون داد ولی وطن نفروخت/آزادمردی که یک تنه به مبارزه با استعمار انگلیس برخاست!

بسیار از مولفه‌های فکری شیخ محمدخیابانی امروزه نیز در ایران و جهان مطرح است. وی روی شاخصه‌هایی انگشت گذاشته بود که امروز هم کهنه نشده است.

بسیار از مولفه‌های فکری شیخ محمدخیابانی امروزه نیز در ایران و جهان مطرح است. وی روی شاخصه‌هایی انگشت گذاشته بود که امروز هم کهنه نشده است.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، شیخ در حیاط ساختمان تجدد به ایراد نطق‌هایی می‌پرداخت و مردم با اشتیاق تمام پای صحبتش می‌نشستند. او به زبان آذری می‌گفت اما ترجمه فارسی اش هر روز در روزنامه تجدد چاپ می‌شد: «...استقلال هر ملتی، شرافت اوست. اگر نتوانیم کشور خود را نجات دهیم و شرافتمندانه زندگی کنیم لاف‌ل در راه وطن جان خواهیم داد! زیرا در چنین مواقع خطرناک و حساس، زنده ماندن محو شدن است.»

پایان قیام شیخ محمد خیابانی با شهادت او

روز ۱۷ فروردین ۱۲۹۹ قیام مسلحانه شیخ محمد خیابانی علیه دولت وثوق الدوله در تبریز آغاز شد. شیخ محمد خیابانی از جمله مبارزینی بود که در سال‌های پایانی حکومت قاجار در نقاط مختلف کشور به مقابله با استعمار و استبداد پرداخت.

خیابانی در 1256 ش. در خامنه - از توابع تبریز - متولد شد. او پس از چند سال کار و تحصیل مقدماتی در روسیه که محل اقامت پدرش بود به تبریز بازگشت و به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی علاوه بر فقه و اصول، ادبیات عرب را فرا گرفت و به کسوت روحانیت درآمد.

مدتی امام جماعت مسجد جامع تبریز شد و سپس به دوره دوم مجلس شورای ملی که در آبان 1288 آغاز به کار کرد، راه یافت. هنگام اولتیماتوم روسیه تزار برای بیرون راندن مستشاران خارجی و ادامه اقامت مستشاران روسی در ایران که با موافقت احمد شاه روبه رو شد و به تعطیلی مجلس دوم انجامید.

شیخ محمد خیابانی به مبارزه علیه حضور استعماری بیگانگان ادامه داد. او طی نطق‌های پرشوری در مجلس، نمایندگان را از تسلیم شدن در برابر روس‌ها برحذر داشت. پس از تعطیلی مجلس دوم به تبریز بازگشت و مبارزات سیاسی خود را سازمان تازه‌ای بخشید.

مهم‌ترین بخش این مبارزات، قیام وی در برابر پیمان 1919 و وثوق الدوله بود.

پس از پایان جنگ جهانی اول که با تخلیه مناطق شمالی ایران از نیروهای روس همراه بود، دولت انگلیس - رقیب دیرینه روس - به بهانه‌های مختلف از جمله مبارزه با یکی از دولت‌های متحدین (عثمانی) یا مبارزه با نفوذ بلشویسم به ایران، به تقویت روز افزون نیروهای خود در ایران پرداخت و برای تسلط بیشتر و بسط و نفوذ سیاسی و اقتصادی خود دولت وثوق الدوله را برای انعقاد قراردادهای گوناگون تحت فشار قرار داد.

یکی از پیمان‌های استعماری دربار لندن که موجب افزایش قابل ملاحظه سلطه سیاسی انگلیسی‌ها در ایران شد، پیمان موسوم به «قرارداد 1919» بود. به موجب این قرارداد که در مرداد 1298 با دولت وثوق الدوله منعقد شد، امتیاز راه آهن و راه‌های شوسه در سراسر کشور به انگلیس واگذار شد و ارتش و دستگاه مالی ایران زیر نظر مستشاران سیاسی و اقتصادی بریتانیا قرار گرفت.

کابینه وثوق الدوله به دنبال تحمیل این قرارداد ننگین با موج مخالفت‌های عمومی و اعتصابات صنفی و کارگری در کشور سقوط کرد.

روحانیون مبارز از جمله شیخ محمد خیابانی و سید حسن مدرس در جریان مخالفت‌ها و اعتراضات عمومی مردم علیه

پیمان 1919، به وثوق الدوله که عاقد این پیمان بود، به شدت اعتراض کردند.

این افشاگری‌ها به شناخت بیشتر مردم از ماهیت اهداف بیگانگان در ایران انجامید. شیخ محمد خیابانی در آستانه انتخابات دوره چهارم مجلس، مردم را از رأی دادن به سیاسیون وابسته به انگلیس یا روسیه برحذر داشت.

او قرارداد 1919 را مضر به حال مملکت و ناقض حاکمیت ملی و استقلال ایران خواند و در تهران با وعظ، خطابه و نگارش مقاله به تشریح ابعاد خطرناک این پیمان پرداخت.

او برای واداشتن وثوق الدوله به لغو معاهده، در بهار 1299ش. به مبارزه مسلحانه روی آورد و در روزهای میانی فروردین همان سال در برنامه‌ای از پیش طراحی شده، تمام ادارات و مراکز دولتی تبریز را تصرف کرد.

وی با گسترش این قیام به دیگر شهرهای آذربایجان، توانست، این خطه را از حاکمیت دولت وثوق الدوله خارج سازد. در کشاکش قیام شیخ محمد خیابانی، دولت وثوق الدوله سقوط کرد و کابینه مشیرالدوله زمام امور را به دست گرفت.

مشیرالدوله برای پایان دادن به قیام خیابانی، مخبرالسلطنه حاکم تبریز را مأمور فرو نشانیدن این قیام کرد.

مشیرالدوله برای شکست قیام خیابانی، مهدی قلی خان هدایت معروف به «مخبرالسلطنه» به تبریز فرستاد. وی مدت‌ها سعی کرد از طریق صحبت با دوستان خیابانی، او را از ادامه نهضت باز دارد، ولی خیابانی اعتنایی نکرد و از طرفی گمان نمی‌کرد که مخبرالسلطنه قصد خیانت داشته باشد.

مخبرالسلطنه چون از راه تزویر و فریب و مذاکره نتوانست خیابانی را از راهی که در پیش گرفته منصرف سازد، با رئیس قزاقخانه تبریز - که یک کلنل روسی بود - گفت و گو و تبانی و نقشه سرنگونی قیام تبریز را طرح ریزی کرد.

سرانجام در سپیده دم یکشنبه ۲۱ شهریور ۱۲۹۹ که بسیاری از نیروهای مسلح خیابانی برای برچیدن اشرار محلی به اطراف تبریز رفته بودند و نیروی اندکی در شهر و اطراف عالی قاپور (مقر حکومت خیابانی و مرکز قیام) مانده بود، قزاق‌های مسلح به دستور کلنل روسی و مخبرالسلطنه، به شهر ریختند و تمام نیروهای قیامی را یا کشتند یا خلع سلاح کردند و همه مراکز آزادیخواهان و ادارات را به تصرف خود در آوردند. آنها به خانه خیابانی هجوم بردند، ولی قبل از اینکه به او دست بیابند خیابانی از راه پشت بام به خانه همسایه اش (شیخ حسنعلی میانجی) پناهنده شد. قزاق‌ها فردای آن روز مخفی گاه شیخ را پیدا کردند و سردسته آنها (اسماعیل قزاق) بلافاصله با شلیک چند تیر شیخ را به شهادت رساند.

سپس پیکر او را به مقر فرمانروایی مخبرالسلطنه منتقل کردند و بدون تشریفات، در گورستان امامزاده سید حمزه دفن کردند. چند ماه پس از شهادت خیابانی، خانواده اش به تهران مهاجرت کردند و بقایای پیکر او را هم به تهران منتقل کرده و در حرم حضرت عبدالعظیم(ع) به خاک سپردند.

مزار وی در صحن باغ طوطی و در نزدیکی مزار ستارخان قرار دارد.

در زمان شیخ محمد خیابانی که خود روحانی فاضل و اندیشمندی بود، انواع ارتباطات منطقه‌ای هم به وسیله ایشان به وجود آمد، به طور مثال می‌توان به ارتباط با تغلیس و یا حتی سایر استان‌های کشور، اشاره کرد.

روزنامه‌ای که با نام تجدد به مدیریت شیخ محمد خیابانی به چاپ می‌رسید، در قسمت اصلی و شناسنامه‌ای روزنامه، عبارت: آذربایجان جزو لاینفک ایران است، درج شده بود، هم اکنون نیز این روزنامه در کتابخانه‌های کشور و تبریز نگهداری می‌شود. این اقدام نشان‌دهنده حفظ اصالت و ایرانی بودن شیخ محمد خیابانی است.

عملکرد شیخ محمد خیابانی، معیار تشخیص یک نماینده مردمی است به طوری‌که نماینده مجلس باید حافظ منافع ملی کشور و مردم باشد و با محافظه‌کاری و انواع معاملات نباید سازگاری داشته باشد، در طول دوره‌های مختلف مجلس در ایران، نمایندگانی بودند که به عنوان شاخص به جا مانده‌اند، مرحوم مدرس یکی از همین نمایندگان شاخص بود که با رضاخان پهلو می‌بازید، نماینده مجلس باید حافظ منافع مردم و دین اسلام باشد و در زمان حاضر این وظیفه در پاسداری از انقلاب اسلامی خلاصه می‌شود.

بدون تردید، خیابانی را باید یکی از چهره های شاخص در مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی دانست. چهره ای که توانست از آذربایجان قیامش را کلید بزند و تاثیرات فراوانی بر روند سیاسی کشور و تفکر مردم حتی سایر نقاط ایران بگذارد.

بسیار از مولفه های فکری خیابانی امروزه نیز در ایران و جهان مطرح است. وی روی شاخصه هایی انگشت گذاشته بود که امروز هم کهنه نشده است.